

## تحلیل انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

ابراهیم احمدی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر محمدرضا حافظنیا\* - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر زهرا احمدی پور - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر مصطفی قادری حاجت - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

### چکیده

انزوای ژئوپلیتیکی به عنوان نقطه مخالف بین‌المللی‌گرایی، جهان‌گرایی، منطقه‌گرایی، تعامل، توسعه و در کل عدم درک صحیح کارگزاران از منافع ملی است. انزوای ژئوپلیتیکی، از آنجایی اهمیت دارد، که در شمایل یک مخصصه و دام ترکیبی (خودساخته و دگرساخته)؛ به عنوان یک حالت نامطلوب و منفی، قادر است موجودیت کشور درگیر را در معرض خطر و حتی نابودی قرار دهد. در نخستین سال‌های انقلاب اسلامی، استراتژی‌هایی چون انزواطلبی، و بعدها بی‌طرفی و عدم تعهد (دست‌کم تا فروپاشی شوروی)، بخشی از راهبرد سیاست خارجی نظام سیاسی حاکم، به منظور کنترل آسیب‌پذیری‌ها احتمالی و در کل حراست و حفاظت از انقلاب بوده است. به تدریج با تثبیت انقلاب اسلامی، پایان جنگ تحمیلی و البته فروپاشی شوروی؛ سلسله عوامل برآمده از کنش‌های رفتاری ج.ا.ایران از یک سو، و از دیگر سو واکنش کشورهای رقیب و متخاصم، وضعیتی به وجود آورد، که منطبق بر انزوای ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در شرایط کنونی است. در این راستا سوال اصلی مقاله این است که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ نتایج حاصله از این پژوهش کاربردی، با تلفیق روش توصیفی - تحلیلی و روش آماری (با استفاده از پرسشنامه دلفی)، به بررسی عوامل مؤثر بر انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در قالب ۶ متغیر (در قالب ۳۱ شاخص) می‌پردازد. در این پژوهش، ترتیب اهمیت و رتبه‌بندی متغیرها به وسیله آزمون فریدمن و سطح معنی‌داری آنها با استفاده از آزمون T-test در بستر تحلیل نرم افزار SPSS انجام پذیرفته است.

واژه‌های کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک، انزوای ژئوپلیتیکی.

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

ژئوپلیتیک را علم روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر تعریف می‌کنند (Hafeznia, 2006: 38). در این میان، انزوای ژئوپلیتیکی عبارت است از کاهش یا قطع ارتباطات یک کشور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، علمی، فرهنگی و غیره با سایر کشورها و فضاها، جغرافیایی در سیستم‌های منطقه‌ای و جهانی که در آن موجودیت سیستم سیاسی کشور، ثبات سیاسی، آرامش اجتماعی، امنیت ملی و بلاخره موجودیت کشور در معرض تهدید قرار می‌گیرد (Hafeznia, 2006: 122). از آنجایی که انزوای ژئوپلیتیکی در بعد جغرافیایی موجب اختلال در تعاملات، نظم و سازمان‌دهی متعارف سه حوزه فضا، محیط (طبیعی و انسانی)، کنش و تعاملات انسانی می‌شود؛ و در حوزه سیاست، متأثر از نوع ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختار دولت‌ها، نوع سیاست خارجی، و نوع و کنش‌های رفتاری بازیگران و دولت‌های درگیر و رقیب می‌باشد؛ لذا مفهومی جغرافیایی-سیاسی است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد، انزوایی (به عنوان یک استراتژی) در اوایل انقلاب اسلامی، بخشی از راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ زیرا در آن دوران رهبری انقلاب، عقیده داشت: «ترقی و استقلال کشور در انزوا است» (Imam Khomeini Sahifeh, Vol, 13: 140-149). استراتژی بی‌طرفی (در دوارن دولت موقت)، و استراتژی عدم تعهد (در دوران دولت هاشمی)، نیز به نوعی ادامه همان سیاست انزوایی بوده است. تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان انقلابی پیرو خط امام (ره) را می‌توان نخستین جرقه تنش با نظام بین‌المللی به رهبری آمریکا، و در حقیقت بنیان و آغاز انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران دانست. علی‌رغم تلاش دولت هاشمی جهت تنش‌زایی منطقه‌ای و جهانی، تغییری در روابط با آمریکا حاصل نشد. سیاست خارجی متعادل و منعطف دولت خاتمی به نوعی قربانی حادثه ۱۱ سپتامبر شد؛ جایی که آمریکا، کشور ایران را در کنار کره شمالی و عراق، محور شرارت خواند. همچنین که بعدها لو رفتن برنامه هسته‌ای (۲۰۰۲م)، آغاز جدیدی از تنش و واگرایی در روابط ایران با غرب بود. انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در دوران دولت احمدی‌نژاد، با بحرانی‌شدن برنامه هسته‌ای و از سویی تشدید تنش‌ها و رویکرد سیاست خارجی تهاجمی و

تقابل گرای احمدی نژاد با نظام بین‌المللی به اوج خود رسید، و علی‌رغم گزینش سیاست خارجی اعتدال‌گرا و تعامل محور دولت روحانی، وضعیت نسبت به گذشته به مراتب حادث‌تر هم شد. امروزه (۱۴۰۳)، تشدید انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران که ترکیبی از عوامل درون‌زا و برون‌زا است، نخست به تناسب تغییرناپذیری سیاست خارجی، و از دیگر سو، به واسطه تغییر در معادلات منطقه‌ای و تشدید تنش با غرب و اسرائیل، مسیر خطرناک و بحرانی خود را طی می‌نماید؛ تا جایی که ایران کنونی در موقعیت جزیره‌ای قرار گرفته است (Hafeznia, 2006:123). باید اذعان داشت، وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران، سوای از ماهیت حکومت‌های مستقر در ایران (Saree-ul-Qalam, 2002:74)؛ به گونه‌ای است که آن را همواره در معرض تعاملات، استراتژی‌های، و تحولات گوناگون قرار داده است (Hafeznia, 2002:15)، و چنانچه دولت‌های ایران، این واقعیات را عمیقاً درک می‌کردند، در رفتار درازمدت استراتژیک آن‌ها، دگرگونی‌های عمیقی به وجود می‌آمد (Karimipour, 2000:23). به لحاظ ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی، ایران یک کشور مؤثر بین‌المللی است، که فراتر از کشوری منطقه‌ای و محلی عمل می‌کند (Ramazani, 2001:71). لذا، هرکدام از استراتژی‌های انزوایی، بی‌طرفی، و عدم تعهد، از آنجایی که بر خلاف مقتضیات جغرافیایی- سیاسی و ژئوپلیتیکی کشوراند، نمی‌تواند تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی ایران باشد.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش و مشخصات جامعه آماری

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی است. به لحاظ ماهیت و روش، پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی- تحلیلی است. منابع گردآوری اطلاعات نیز به دو روش کتابخانه‌ای و اسنادی و روش میدانی است. منابع گردآوری اطلاعات در روش کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتب، مقالات و اسناد مکتوب معتبر شامل مطالعه متون علمی، تاریخی، پژوهش‌های موردی، پایگاه‌های آماری داخلی و بین‌المللی و جستجو در بانک‌های اطلاعاتی و ... است. گردآوری اطلاعات در روش میدانی بر بستر یافته‌های کتابخانه‌ای به روش دلفی است. در این روش، ۱۴۴ نفر از اساتید دانشگاهی به صورت اختصاصی انتخاب، و پرسشنامه در بین آنها توزیع شد، که از این تعداد،

۶۷ نفر پاسخ کامل دادند. البته سعی شده براساس شناخت نسبی (تخصص و رزومه علمی)، نظرخواهی از اساتیدی باشد، که بتوان مناسب‌ترین پاسخ را از آنها دریافت کرد.

جدول (۱): مشخصات جامعه آماری پژوهش

| حجم نمونه                     |                 | ۶۷ نفر                 |
|-------------------------------|-----------------|------------------------|
| رشته تخصصی جامعه آماری        | رشته            | ۲۸ نفر (معادل ۴۲ درصد) |
|                               | روابط بین الملل | ۱۷ نفر (معادل ۲۵ درصد) |
|                               | علوم سیاسی      | ۱۴ نفر (معادل ۲۱ درصد) |
|                               | اقتصاد سیاسی    | ۴ نفر (معادل ۶ درصد)   |
|                               | علوم استراتژیک  | ۴ نفر (معادل ۶ درصد)   |
| رتبه و مرتبه علمی جامعه آماری | استادیار        | ۲۷ نفر (معادل ۴۰ درصد) |
|                               | دانشیار         | ۲۹ نفر (معادل ۴۳ درصد) |
|                               | استاد           | ۱۱ نفر (معادل ۱۷ درصد) |
| جنسیت                         | آقا             | ۵۸ نفر (معادل ۸۷ درصد) |
|                               | خانم            | ۹ نفر (معادل ۱۳ درصد)  |

### ۳. چارچوب نظری

به لحاظ لغوی «انزوا»، به مفهوم گوشه‌نشینی، یک‌سو شدن و کناره‌جویی از مردم، خانه‌نشینی، اعتزال جستن و منزوی‌شدن (Dehkhoda Dictionary, 1985)، تنهایی، خلوت‌گزینی، جدایی، حالتی از عایق بودن، حریم تنهایی و خصوصی، توقیف<sup>۱</sup>، بریدن از اجتماع، انزوای جغرافیایی روستاها، شهرها و کشورها<sup>۲</sup>، و ... آمده است. بررسی پیشینه انزوا در روابط بین‌الملل، تحت عنوان استراتژی «انزوگرایی یا انزواطلبی»، در ادبیات اندک کنونی روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در قالب سیاست خودانزوایی برخی از حکومت‌های غربی نظیر بریتانیا و بخصوص ایالات متحده، از اواسط قرن هجده تا اواسط قرن بیستم آمده است. در این دیدگاه تقلیلی و مثبت، اتخاذ این استراتژی متأثر از ساختار بین‌الملل، نیازهای اجتماعی و اقتصادی داخلی، درک سیاست‌گذاران از تهدیدات خارجی و موقعیت جغرافیایی است که در آن یک کشور تازه تأسیس و یا انقلابی، با ایجاد تغییرات شگرف در

1. <https://www.Merriam-Webster.com>

2. <https://Dictionary.Cambridge.org>

سیاست خارجی خود به دنبال حراست از استقلال (Sheikhzadeh, 2006:79) خویش است. و در حقیقت به عنوان راهبردی برای مقابله با یک تهدید واقعی و بالقوه اتخاذ شده است، تا دولت را از راه عقب نشاندن در پس مرزها و برپایی استحکامات دفاعی به جای رویارویی با آن تهدید در میدان مبارزه، در مقابل حمله نظامی یا نفوذ فرهنگی محفوظ بدارد (Halsey, 1997:68-69). «انزوای ژئوپلیتیکی» به عنوان یک مفهوم موسع، چندبعدی و عمیق نه به عنوان یک «استراتژی داوطلبانه‌ی مثبت» بلکه به عنوان یک حالت نامطلوب و منفی، عبارت است از کاهش یا قطع ارتباطات یک کشور در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی، علمی، فرهنگی و غیره با سایر کشورها و فضاهای جغرافیایی در سیستم‌های منطقه‌ای و جهانی که در آن موجودیت سیستم سیاسی کشور، ثبات سیاسی، آرامش اجتماعی، امنیت ملی و بلاخره موجودیت کشور در معرض تهدید قرار می‌گیرد و چنانچه انزوا به افزایش فوق‌العاده آنتروپی بینجامد، نهایتاً رژیم سیاسی و یا موجودیت کشور ممکن است در معرض نابودی قرار گیرد (Hafeznia, 2017:199-200). گونه‌های مختلف «انزوای ژئوپلیتیکی» عبارت است از: الف) «انزوای اختیاری و خودانگیخته»؛ ب) «انزوای تحمیلی و برون‌زا»؛ ج) «انزوای ترکیبی»؛ و د) «انزوای ادراکی یا احساس در محاصره» (Hafeznia, 2017:200-201).

به موجب اصل دوم ترمودینامیک، چنانچه یک سیستم، بسته عمل نماید، سرانجام به سوی بی‌نظمی، اغتشاش و تعادل ایستا سوق یافته، و خاصیتی از حالت آنکه موسوم به آنتروپی است به تدریج در آن افزایش خواهد یافت. در حقیقت آنتروپی در سیستم‌های بسته به معنای کهولت سیستم، از هم‌پاشیدگی و بی‌نظمی است که با گذشت زمان بر تمام اجزای سیستم مسلط می‌شود (Hitchens, 1997:2). آنتروپی در سیستم‌های منزوی، بیشتر (Asgari, 2021:220)، و همواره در حال بالارفتن است.

نظام سیاسی که در معرض «انزوای ژئوپلیتیکی» است، از آنجایی که به صورت سیستم‌های بسته عمل می‌نماید، به مرور دچار کاهش تدریجی قابلیت حکومت در دو سطح درونی و بیرونی و در نتیجه افزایش آنتروپی و درجه‌ای از بحران و میرایی (Hafeznia, 2017:199) خواهد شد. در حقیقت، در نگرش سیستمی، نظام‌های سیاسی به مثابه یک سیستم، دارای

ساختارها، کارکردها و بافتارهایی است که با یکدیگر کار می‌کنند؛ چنانچه رودلف شیلن مانایی و پویایی کشور به عنوان یک موجود زنده را حاصل همکاری سیستمی، پنج ساختار در هم تنیده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و فیزیکی - فضایی می‌داند (Hafeznia, 2017: 199).

در نظریه «سیستم و ساختار ژئوپلیتیکی جهانی» سائل بی. کوهن، کشورها به عنوان جزئی از سیستم کلان جهانی تلقی می‌شوند که در ارتباط با سایر کشورها و یا مناطق جغرافیایی، کنش متقابل دارند (Cohen, 1994: 23-28)، و تحت تأثیر مجموعه از متغیرهای تکنولوژی، جریان سرمایه، نیروی انسانی، صنعت تخصصی‌شده، تولیدات، ارتباطات ماهواره‌ای، رایانه‌ای، حمل‌ونقل (Cohen, 1994: 26) و غیره، پویایی خود را حفظ می‌کنند و از این طریق تکامل نظام سیاسی جهان را باعث می‌شوند (Hafeznia, 2017: 268-271). امروزه وجه غالب روابط بین‌الملل، توسعه وجوه همگرایی در همه سطوح و کلیت مقیاس‌های فضایی (محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی) است. طبق نظریه وابستگی متقابل کوهن و نای، مسائل اساسی جهان دیگر مسائل نظامی، امنیتی و استراتژیک نیستند؛ بلکه مسائل اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی اهمیت بیشتری یافتند. به همین دلیل کشورها در یک سیستم همبسته و وابسته، نیازمند سطوح وسیعی از همکاری و تعامل با یکدیگرند. این دگرگونی، حرکت از سوی «سیاست حاد»<sup>۱</sup> به سوی «سیاست ملایم»<sup>۲</sup> خوانده می‌شود. به تعبیری، کشورها در موقعیتی قرار دارند، که مشخصه اصلی این موقعیت تأثیر متقابل کشورها و بازیگران مختلف بر یکدیگر است (Keohane and Nye, 1987: 8). این تأثیرگذاری‌ها اغلب از مبادلات بین‌المللی؛ نقل و انتقال پول، کالا، افراد و پیام در سطح بین‌المللی ریشه می‌گیرد (Keohane, 1984: 366). در این شرایط منابع موجود در عرصه جهانی توزیع شده و همکاری داوطلبانه جایگزین تعارض و مخاصمه می‌شود (Keohane and Nye, 1977: 5-35).

بعلاوه اینکه، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که امروزه سطح وسیعی از همکاری و تنش‌زایی‌ها، از طریق ابزارهای اقتصادی دنبال خواهد شد، تاجایی که آنها استراتژی‌های بزرگ ژئوپلیتیک

---

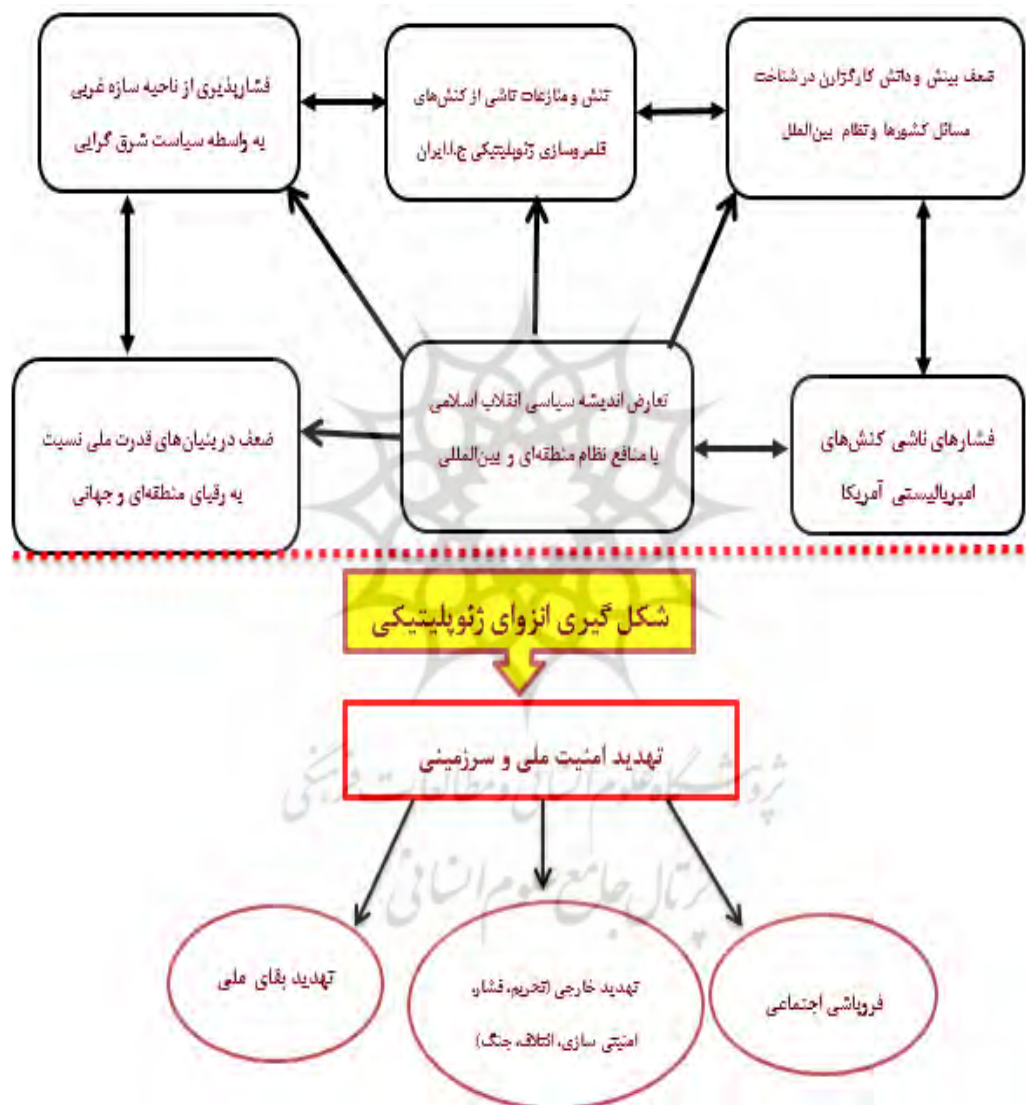
1.High Politics

2.Low Politics

قرن بیست و یکم را عمده‌تأملی بر همکاری اقتصادی می‌دانند» (Bernek, 2015). در حقیقت، در بافتار روابط و مناسبات قدرت؛ فرایندهای ژئوپلیتیکی، سیاسی، امنیتی و... نمی‌تواند فارغ از فرایند تأثیرگذار نهایی و تعیین‌کننده ژئواکونومی در نظر گرفته شود (Boute, 2019: 384-386). به همین دلیل، از آنجایی که کشورداری اقتصادی با متغیرهای متعدد قدرت، سیاست، بقا، امنیت، جغرافیا، منابع، و سرزمین و... عجین شده است، بهره‌مندی از استراتژی‌های اقتصادی، می‌تواند به عنوان ابزار فشار برای تغییر رفتار دولت‌ها، دستیابی به اهداف استراتژیکی، و در مجموع اعمال قدرت باشد (Boute, 2019: 389).

در مجموع، از آنجایی که نقطه آغاز هر دگرگونی و تحول در سرنوشت هر نظام سیاسی به حوزه سیاست و نهاد مدیریت سیاسی فضای ملی یا حکومت و دولت بر می‌گردد، هر کشوری، برای نیل به توسعه همه‌جانبه، باید برخوردار از یک استراتژی کلان ملی باشد. مدل کلان «استراتژی ملی مدیریت سیاسی فضا» از حافظ‌نیا (Hafeznia, 2022: 1-10)، تلفیقی از پیشنهادها و سیاست کاربردی شامل شش حلقه کلان تودرتو در دو سطح کارکردی فضای درونی (بهبود و اصلاح سیاست‌گذاری داخلی) و بیرونی (بهبود عملکرد سیاست خارجی و روابط بین‌المللی) است. از آنجایی که دولت‌های منزی سوای از مناسبات نامتعارف بیرونی (که ریشه در سیاست‌گذاری‌های داخلی دارد)، اساساً گرفتار چرخه توسعه‌نیافتگی و در مجموع بحران و شکنندگی‌های ناشی از مدیریت کشورداری اند؛ چنین مدلی در حقیقت مدل تعمیم یافته برون رفت از انزوای ژئوپلیتیکی کشورهای درگیر، از طریق لزوم (۱) تقویت بنیان‌های ملی کشورداری؛ (۲) تقویت بنیان‌های آموزش، علم و فناوری (۳) تقویت بنیان‌های سیاست خارجی و داخلی و امنیت ملی؛ (۴) تقویت بنیان‌های اقتصاد ملی؛ (۵) تقویت بنیان‌های فرهنگ و جامعه؛ و (۶) تقویت بنیان‌های آمایش و عمران فضای جغرافیایی است (Hafeznia, 2022: 1-10). اجمالاً، توسعه روابط سیستمی (درونداد و برونداد)، و به عبارتی باز بودن سیستم کشور و تعامل گسترده با سایر کشورها در سیستم جهانی و منطقه‌ای، باعث کاهش آنتروپی و افزایش دریافت انرژی و در نتیجه قدرت ملی آن می‌شود، که این امر موجب بهبود وضعیت کشور در سیستم بین‌المللی، تضمین امنیت و بقای ملی، ثبات و استحکام سیستم سیاسی و موجودیت آن کشور می‌گردد. از این رو، انزوا در شرایطی تعاملات

و رابط بین‌الملل به شدت گسترش یابنده، خطر بزرگی برای کشورهای دچار انزوا محسوب می‌گردد (Hafeznia, 2017: 200).



شکل (۱): مدل نظری پژوهش



#### ۴. پیشینه و ادبیات تحقیق

از جهت پیشینه و ادبیات موضوع، انزوای ژئوپلیتیکی مفهومی است که نخستین بار در کتاب اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (Hafeznia, 2006: 120-123)، توسط محمدرضا حافظ‌نیا به کار گرفته شده است. غیر از تعریف مزبور، هیچ گونه پیشینه پژوهشی، چه در ادبیات داخلی و چه ادبیات خارجی از آن موجود نیست. بنابراین، این پژوهش فاقد هرگونه پیشینه واقعی است. در اینجا ذکر ادبیات به شرح ذیل تنها در مواردی حول مفاهیمی چون انزوای طلبی (به عنوان یک استراتژی سیاست خارجی)، و گونه‌های از انزوای سیاسی و اقتصادی برخی از نظام‌های سیاسی در دهه‌های گذشته است. کتاب «کشورهای منزوی: یک بررسی مقایسه‌ای»، از گلدن هویز (۱۹۹۶)؛ و دو کتاب دیگر وی تحت عنوان «سیاست بین‌المللی انزوا، یک بررسی از کشورهای خود منزوی» (۱۹۹۱)؛ و کتاب «دیپلماسی انزوا: ساختار سیاست خارجی آفریقای جنوبی» (۱۹۸۶)؛ مقاله «خروج اسرائیل از آفریقا، ۱۹۷۳: مسیر انزوای دیپلماتیک»، اثر زک لیوی (۲۰۰۸)؛ کتاب «کشورهای انزواطلب در جهان همبسته»، از هلگا تورکو (۲۰۰۹)؛ مقاله «دیپلماسی در انزوا» از لیزا تامسون (۲۰۰۹)؛ مقاله «انزوا و سیاست داخلی» از آر. آورباتش (۲۰۱۰)؛ و مقاله «آلبانی و اتحادیه اروپایی: از انزوا تا یکپارچگی»، از ریستا پاناژیوتو (۲۰۱۱)؛ از جمله این آثار هستند. باید توجه داشت، انزوای ژئوپلیتیک یک استراتژی سیاست خارجی نیست؛ بلکه حالتی ناخوشایند از گسست و محدود شدن روابط بیرونی یک کشور است، که غالباً به واسطه کنش‌های رفتاری آن، از سوی مجموعه‌ای از کشورها (در قالب نظام منطقه‌ای و بین‌المللی) و سازمان‌های بین‌المللی (نظیر سازمان ملل و سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی) در قالب تحریم، گونه‌های از انواع فشارهای سیاسی، روانی و امنیتی، تهدید به جنگ و ... به کار گرفته می‌شود. اهمیت انزوای ژئوپلیتیکی به این دلیل است که در مواردی، شدت این فشارها به حدی است، که ممکن است به واسطه آن، موجودیت سرزمینی و بقاء کشور هدف، تا سرحد فروپاشی و نابودی مورد تهدید قرار گیرد. از جهت نو و بدیع بودن؛ مقاله مزبور نخستین پژوهش مستقل حول مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، بر بستر مفهوم و نظریه انزوای ژئوپلیتیکی است.

## ۵. یافته‌های پژوهشی

## ۵-۱. دوره‌های تاریخی انزوا در نظام جمهوری اسلامی ایران

- دوره اول. دوره تثبیت (انزوای ادراکی و خودانگیخته): این دوره از پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن ۱۳۵۷) تا پایان جنگ تحمیلی (۲۰ خرداد ۱۳۶۶) حدود نه سال طول کشید. شکل‌گیری بنیان‌های سیاست خارجی و ویژگی‌های رفتاری نظام انقلابی در قالب استراتژی‌هایی نظیر «استراتژی عدم تعهد نه شرقی- نه غربی»، «استراتژی استقلال به مفهوم نفی وابستگی به ابرقدرت‌ها»، «استراتژی دفاع از مستضعفین جهان»، «استراتژی حمایت از جنبش‌های آزادی خواه»، «استراتژی صدور انقلاب»، «استراتژی اسرائیل و آمریکاستیزی» (Hafeznia and Boyeh, 2015:54) و... در قالب نص صریح قانون اساسی ویژگی‌های دوره تثبیت است. در این دوره تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا (۱۳ آبان ۱۳۵۸) توسط گروهی از دانشجویان پیرو خط امام (ره)، نشانی از اراده نظام انقلابی در تحقق شعائر انقلاب است که در حقیقت تداعی‌گر اولین نشانه از گزینش «سیاست انزواگرایی» در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران هم بود؛ مسئله‌ای که با تشدید خصومت‌ها و بلوکه کردن سرمایه‌های ایران در آمریکا توسط دولت کارتر، کشور را به سمت گونه‌ای از انزوا سوق داد که نتیجه آن یک سال بعد به دنبال تهاجم عراق در پی حمایت اغلب کشورهای عربی منطقه، دول غربی و ابرقدرت‌ها، روشن شد (Degaard and Horcade, 1999:203-235).

- دوره دوم. انزوای نسبی دگرانگیخته: در این دوره با توجه به این سخن هاشمی که «در طول جنگ بیش از نیمی از درآمد کشور صرف هزینه‌های جنگی گردیده است» (Ehteshami, 1999: 141)، بیشترین تمرکز دولت حول ساماندهی امور داخلی و الزامات اقتصادی و عمرانی ناشی از جبران خسارات و ویرانی‌های جنگ بود؛ به همین دلیل سیاست خارجی دولت سازندگی در راستای توسعه اقتصادی کشور، با تعدیل در رویکردهای ایدئولوژیک و احساسی دهه اول انقلاب، جهت تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط با دنیای غرب و اروپا و نیز جهان عرب به ویژه عربستان سعودی، تلاش نمود و حتی نسبت به جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد. با این حال در این دوره در روابط با آمریکا تغییری حاصل نشد، و آمریکا به

یکباره با طرح مهار دوجانبه و سپس قانون داماتو (قانون تحریم‌های ایران و لیبی) سعی در انزوای ایران نمود (Katzman, 2000:9; Malki, 2004:122). نتیجه این اقدامات، منجر به منع تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران (در دولت کلینتون) و در نهایت اعمال تحریم‌های فراگیر علیه ایران شد (Gerges, 2013:232). علاوه بر این، روابط با اروپا نیز تحت تأثیر قتل شاپور بختیار و واقعه رستوران می‌کونوس بشدت تیره شد و پانزده کشور اروپایی سفرای خود را از تهران فراخواندند (Malki, 2004:122).

- **دوره سوم. تلاش برای خروج از انزوا:** در این دوره، ایران تلاش کرد تا از طریق تصویرسازی مثبت و واقعی از خود، به اصلاح تصویر ساخته شده غیرواقعی از جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی بپردازد. شروع دولت اصلاحات (۸۴-۱۳۷۶) توانست فشار بر دو سطح داخلی و بین‌المللی را کاهش دهد. در حقیقت تنش‌زدایی موضوع اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره است. اصول سیاست خارجی دولت در این دوره عبارت بود از: (۱) بهبود روابط با غرب (Azghandi, 2008:2)؛ (۲) بهبودی روابط با کشورهای عرب منطقه؛ (۳) تلاش برای بهبودی وجه ایران از طریق تصویرسازی مثبت در قالب گفتگوی تمدن‌ها و میل به صلح (Holliday, 2016:106)؛ و (۴) مشارکت فعال و باسازی روابط ایران با سازمان‌های بین‌المللی. با این حال در این دوره، با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م نشانه‌های تنش از سوی آمریکا پدیدار شد. آمریکا نخست به افغانستان (۷ اکتبر ۲۰۰۱) و سپس به عراق (۲۰ مارس ۲۰۰۳) حمله کرد و ایران را در کنار کره شمالی و عراق، در محور شرارت قرار داد (Maleki, 2010:111). همچنین در این دوره پروژه هسته‌ای ایران در کانون توجه غرب قرار گرفت و به تنهایی آغازگر فشارهای تدریجی به ایران شد (از آواخر ۲۰۰۳ میلادی).

- **دوره چهارم. رفتن به سمت انزوای ترکیبی:** سیاست سازش‌ناپذیری در بحث هسته‌ای، بخشی از راهبرد ایران در این دوره است و حتی ایران در این دوره معتقد بود برای اجتناب از سرنوشت عراق باید از NPT خارج شود. انزوای کشور که در آخرین ماه‌های دولت خاتمی در حال شکل گرفتن بود؛ به واسطه سیاست تقابلی و بی‌اعتمادی احمدی نژاد به آژانس هسته‌ای و تنش با ایالات متحده و متحدانش، به اوج خود رسید. در این دوره، ایران علاوه بر محدودیت‌های

قانونی آمریکا، مورد تحریم شورای امنیت و ممنوعیت قانونی اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای دیگر هم قرار گرفت. شورای امنیت در شش دوره مختلف، علیه ایران قطعنامه صادر کرد که مهم‌ترین آنها قطعنامه ۱۹۲۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۰) بود. قطعنامه مذکور بخش اعظمی از زیرساخت‌های هسته‌ای و نظامی، تمامی بانک‌های خارج از کشور، مؤسسات، شرکت‌ها، صنایع و اشخاص مرتبط با برنامه و صنعت هسته‌ای ایران را هدف قرار داده (Porahmadi and Bazobandi, 2018: 97). اجمالاً در این دوره تقابل دولت وقت با هنجارهای بین‌المللی، نظام منطقه‌ای و نظام قدرت، علاوه بر تشدید انزوا، به وجهه بین‌المللی کشور هم آسیب زد، و عملاً باعث ایجاد مشکلاتی در بخش‌های مختلف کشور، تا سرحد خطر بقای ملی شد (Mokhtari Hashi, 2015: 136).

- دوره پنجم. افتادن در دام انزوای ترکیبی ناخواسته: عملکرد دولت روحانی را می‌توان به دو مقطع تقسیم کرد: مقطع نخست بهبود نسبی وضعیت کشور در داخل و خارج (منطقه و جهان) به واسطه سیاست خارجی تعاملی و توسعه محور که منجر به توافق هسته‌ای با قدرت‌های جهانی شد (۲۳ تیر ۱۳۹۴ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷). و مرحله دوم بازگشت ایران به حالت قبل از برجام و در نتیجه احیای مجدد انزوا به واسطه تحریم‌ها و راهبرد فشار حداکثری آمریکا، که ناشی از خروج دولت ترامپ از برجام بود. در مجموع، دولت روحانی درحالی مستقر شد که اتخاذ یک سیاست تعاملی و توسعه محور در عرصه روابط خارجی در جهت بهبود وضعیت بد اقتصادی و فهم نظام حاکم بر منطقه و جهان، یک ضرورت حتمی بود؛ سوای از اینکه سامان بخشیدن به وجهه منطقه‌ای و بین‌المللی از دست رفته‌ی ایران هم ضرورت داشت. اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد، درگیر شدن بیشتر ایران در بحران‌های منطقه‌ای (عراق، یمن و سوریه) و بدتر شدن وضعیت داخلی، و در نتیجه «انزوای ژئوپلیتیکی» ایران بود. چنین وضعیتی بیش از اینکه معلول عملکرد ناموفق دولت حسن روحانی باشد، نتیجه جبر و عملکرد سیاست‌های منطقه‌ای ایران در گذشته و حال، شرایط خاص منطقه و خروج غیرقانونی پرزیدنت ترامپ از برجام بود.

## ۲-۵. عوامل (متغیرهای) مؤثر بر انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

### ۱-۲-۵. تعارض اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب

در حقیقت پس از انقلاب اسلامی مهمترین عامل تأثیرگذار در تحولات ژئوپلیتیکی ایران و همچنین مبنای تعاملات و کنش‌های ژئوپلیتیکی ایران با ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی، اندیشه‌ها و مفاهیم برآمده از انقلاب (Hafeznia and et al 2012:23 (B)) مبنای قرار گرفته است. منابع و مبانی اندیشه‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران، عموماً شامل قانون اساسی و اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه‌های توسعه)، و اندیشه سیاسی رهبران و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران است (به طور آخص امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای). مبانی اندیشه‌ای و اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران که تبلور آن در قانون اساسی (و به تبع اسناد بالادستی) کشور است، از حیث درونی قادر به گردآوردن ملت در زیر چتر یک هویت ملی مشترک نیست، و از حیث بیرونی (که آینه تمام‌نمای آن سیاست خارجی کشور است) نیز به واسطه باورهای مکتبی و اعتقادی و بعضاً تغلیط جنبه‌های آرمان‌گرایانه آن، نمی‌تواند راهگشای روابط بین‌المللی توسعه‌گرا و تعامل محور با نظام منطقه‌ای و نظام بین‌المللی باشد. بدیهی است، از انجایی که اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب در تعارض و ستیز است، گونه‌ای از انزوای ترکیبی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را سبب شده است. وضعیتی که باعث شده جمهوری اسلامی ایران، ضمن ناهمسویی با نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، همواره با چالش‌های نوظهور همراه شود (Mossalanejad, 2023:20). نتیجه آن‌که جمهوری اسلامی ایران با دو منبع اپوزیسیون ایرانی داخل و خارج از یک طرف و نیروی‌های عظیمی در خارج وارد نزاع و جنگ گسترده‌ای شد (Saree-ul-Qalam, 2005:232-233).

در مجموع صورت و باطن نظام اندیشه‌ای و بنیان‌های سیاست خارجی و ویژگی‌های رفتاری نظام جمهوری اسلامی ایران، در قالب استراتژی‌ها، اصول و مبانی ذیل قابل تشخیص است:

استراتژی عدم تعهد نه شرقی - نه غربی؛

استراتژی استقلال به مفهوم نفی وابستگی به ابرقدرت‌ها؛

استراتژی دفاع از مستضعفین جهان؛

استراتژی حمایت از جنبش‌های آزادی خواه؛

استراتژی صدور انقلاب؛

استراتژی اسرائیل‌ستیزی و دفاع همه‌جانبه از فلسطین؛

استراتژی آمریک ستیزی (Hafeznia and Boyeh, 2015:54)؛

بی‌اعتمادی و تقابل با نظم موجود نظام بین‌المللی؛

ترجیح دادن ملت‌ها به جای دولت‌ها در روابط بین‌الملل؛

ترجیح دادن نهضت‌ها به دولت‌ها در روابط بین‌الملل؛

قائل نبودن به سطوح قدرت در نظام بین‌الملل؛

مخالفت با سیستم وتو در نظام بین‌الملل؛

اعتقاد به تفکیک روابط خارجی اقتصادی از روابط خارجی سیاسی؛

تأکید و اجرای همه‌جانبه استقلال سیاسی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها؛

ترجیح دادن اعتقادات به منابع اقتصادی و تجاری در روابط دوجانبه؛

فاصله استراتژیک از قدرت‌های بزرگ و منافع و سیاست‌های آنها؛ و

اهمیت دادن به عدالت سیاسی در روابط دولت‌ها (Saree-ul-Qalam, 2009:27-28).

استراتژی‌های نام برده به نوعی یکدیگر را پوشش می‌دهند و به صورت یک کلیت تصویر

سیاست خارجی انزواساز جمهوری اسلامی ایران را در تعارض با نظام منطقه‌ای و نظام بین‌الملل

شکل می‌دهد.

## ۵-۲-۲. سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

حافظنیا حوزه یا قلمروهای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را به دو دسته تقسیم کرده است

که در درون هر کدام از حلقه یا دسته‌ها، قلمروهای ریزتری وجود دارد. الف) قلمروهای

ژئوپلیتیکی طبیعی شامل سه قلمروی حوزه کشورهای خلیج فارس، قلمروی شیعی و قلمروی

تمدنی و ب) قلمروهای ادعایی، شامل دو قلمرو با ماهیت ایدئولوژیک (قلمروی جهان اسلام،

قلمروی مستضعفین جهان، قلمروی ضداسرائیلی و آزادی قدس و قلمروی جنبش‌های آزادی

بخش جهان) و مجموع قلمروهای جغرافیایی جنوب غرب آسیا، آسیای مرکزی، منطقه قفقاز،

منطقه خزر و منطقه اکو می و ج) قلمروی جهانی معارض با آمریکا می باشد: (Hafeznia, 2021: 1-4).

بررسی‌ها نشان می‌دهند، قلمروهای ژئوپلیتیک ایران غالباً ماهیتی ایدئولوژیک دارند (Hafeznia and et al, 2012: 45). قلمروی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران، در درون خود عناصری دارد که عبارت‌انداز: دفاع بی‌وقفه از آرمان فلسطین، تأکید بر محو اسرائیل، پدید آوردن هلال شیعی در عراق، بحرین، کویت، لبنان، عربستان و افغانستان، نفی حضور غرب در منطقه، تعامل توأم با برتری‌جویی بر کشورهای منطقه است. این موضع‌گیری‌ها به طرز آشکار، نه تنها اعلان نبرد با آمریکا، بلکه اعلان جنگ با منطقه و کلیت نظام بین‌الملل است (Khalili, 2018: 249 A). ایران با وجود ظرفیت‌ها و تعهدات، موقعیت و منزلت ژئوپلیتیکی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس (Hafeznia and et al, 2016: 17)، می‌تواند بالاترین نقش را در این حوزه ژئوپلیتیک داشته باشد. با این حال در قلمرو ژئوپلیتیکی خلیج فارس در جهت همگرایی منطقه‌ای چندان موفق عمل نکرده است (Hafeznia, 2021: 17). در مورد قلمروی حوزه تمدنی نیز چنین است. جمهوری اسلامی ایران به این سیستم کم‌اعتنا بوده، و از ظرفیت‌های آن غفلت کرده است، به‌طوری که در حوزه تصمیم‌گیری سیاست خارجی، کشورهای این حوزه فراموش شدند (Khalili, 2018: 250 B). کنش‌های ایران در قلمروی طبیعی شیعی، با وجود تحقق پاره‌ای از اهداف و موفقیت‌ها، باعث برانگیخته‌شدن حساسیت و تقابل رقبای ژئوپلیتیکی آن یعنی دو قدرت سنتی منطقه (آمریکا و عربستان) و متحدان آنها شده است (Hafeznia, 2021: 6). کنش‌های جمهوری اسلامی ایران در قلمروهای ادعایی با ماهیت جغرافیایی، با وجود رقبای بزرگی نظیر ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، اسرائیل، روسیه و عراق نیز ترکیبی از تنش، انفعال و رقابت است. در مورد قلمروی معارض با آمریکا باید گفت، هنوز هم این کشور مهم‌ترین کنشگر تأثیرگذار در عرصه نظام بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل است (Moshirzadeh and Jafari, 2012: 60). انزوای سیاسی، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی، فعالیت تبلیغاتی برای نمایش تناقضات داخلی مانند ناکارآمدی، افزایش نرخ تورم، محدودیت‌های مدنی (Saree-ul-Qalam, 2022 B)، امنیتی کردن پرونده هسته‌ای، تحریم‌های بین‌المللی، تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و

جهانی، نفوذ اطلاعاتی و حملات گسترده سایبری و... از پیامدهای کنش‌های رفتاری ایران در قلمروی جهانی مبارزه با آمریکا است. اجمالاً از آنجایی که ماحصل قلمروسازی ژئوپلیتیکی، ارتباط مستقیمی با وزن ژئوپلیتیکی کشورها دارد (Rezaei and et al, 2023: 26)، جمهوری اسلامی ایران فاقد طیف مؤثری از ظرفیت‌های لازم و تأثیرگذار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، رسانه‌ای و... به عنوان یک کنش‌گر فعال در گستره وسیع جغرافیایی (قلمروهای تعریفی) است.

#### ۵-۲-۳. موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در گرایش به سازه و بلوک شرق

به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی ایران با جهت‌گیری افراطی به سمت شرق، به نوعی خود را گرفتار گونه‌ای از وضعیت جدید حائل ساخته است (Ahmadi, 2022). روابط ایران و بلوک شرق پس از انقلاب اسلامی را می‌توان در چارچوب فرضیه موازنه تهدید تحلیل نمود (Dehghani Firouzabadi and Moradi, 2015: 73). فشارهای هژمونیک آمریکا در سه دهه گذشته بر ایران، باعث شده تا ایران برای حفظ خود در سیستم آنارشیک نظام بین‌الملل در جستجوی متحدینی استراتژیک برآید (Hajilo, 2017: 85). می‌توان اذعان داشت سوای از ابعاد مختلف سیاست شرق‌گرایی؛ همکاری نزدیک جمهوری اسلامی ایران با روسیه و چین، در راستای پیشبرد سیاست خارجی تقابلی با غرب به ویژه آمریکا است. به دیگر تعبیر، جمهوری اسلامی ایران، در جهت پاسداشت اندیشه ستیز ابدی با غرب (به طور خاص آمریکا)، ارتباطات مشروط و محدود نگاه به شرق (چین و روسیه) (Ahmadi, 2022) را به حدی رسانده که تصور و درک از اتحاد با این دو کشور، در جهت تقابل با آمریکا با خوشبینی‌های زیادی از سوی ایران همراه است (Ansari Fard and Haji-Yousefi, 2023: 123)؛ مسئله‌ای که در صورت افراط و تداوم، می‌تواند در آینده منجر به نفوذ و وابستگی ایران به این دو کشور شود.

#### ۵-۲-۴. سیاست امپریالیستی آمریکا در رد نقش و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران به عنوان یک بازیگر

##### هژمون

برترپنداری آمریکا، بر اساس طیفی از ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، نهادی و سیاسی این ابرقدرت نسبت به سایر قدرت‌ها است (Sneberg, 2015: 3). نگاهی به راهبردهای امنیتی ایالات متحده طی دهه‌های گذشته به خوبی نشان‌دهنده‌ی آن است که قدرت‌یابی ایالات متحده در



قامت یک کنشگر بین‌المللی مرهون هژمونی بی‌رقیب و قدرت ملی بالای آن در مقیاس کروی بوده است. در راستای یک ابرقدرت هژمون، ایالات متحده می‌باید از دستیابی سایر دولت‌ها به جایگاه هژمون در سایر مناطق جلوگیری به عمل آورد (Mearsheimer, 2011: 18). این امر خصوصاً در سه منطقه اروپا، اوراسیا و خلیج فارس برای ایالات متحده اهمیتی حیاتی دارد (Mearsheimer and Walt, 2016). پیروزی انقلاب اسلامی ایران در موقعیت ایالات متحده در منطقه تغییرات بنیادینی به وجود آورد، از جمله:

انحلال کامل پیمان سنتو؛

از میان رفتن حلقه متصل میان پیمان ناتو و سیتو؛

از دیاد قیمت نفت به واسطه کاهش حجم صادرات نفت ایران؛

امکان صدور انقلاب به دیگر کشورهای منطقه و بی‌ثباتی آنها؛

به خطر افتادن امنیت تنگه هرمز؛

از دست رفتن نقش ژاندارم منطقه؛ و

به هم ریختن معادلات سیاسی تنظیم شده ایالات متحده برای منطقه (Elahi, 2017: 281-282). از این زمان دولت امریکا اقدامات خصمانه‌ای را برای مقابله و کنترل دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت (Moshirzadeh and Jafari, 2012: 49). مطابق آمار، از سال ۱۳۵۷ و مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۴، حدود ۲۵۵ حادثه، چالش، اختلاف شدید، تحریم، تهدید، ناامنی، تحمیل هزینه‌های زیاد و... بین آمریکا و ایران ردوبدل شده است که سوابق آن را در روابط خارجی هیچ کشوری حتی آمریکا با شوروی طی دوران جنگ سرد (۱۹۴۷-۱۹۹۱) نمی‌توان یافت (Zarei and Piltan, 2018: 502). به طور مشخص، فشارهای آمریکا بر جمهوری اسلامی ایران طی بیش از چهار دهه نشانی از مشی جنگ ترکیبی فرسایشی پایدار و مداوم در تمامی عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، امنیتی، علمی و فرهنگی به اشکال گسترده تحریم‌های یک و چندجانبه، تشکیل و تقویت اتحاد و ائتلاف‌های همه‌جانبه منطقه‌ای و جهانی بر علیه جمهوری اسلامی ایران، امنیتی کرده پرونده هسته‌ای و پس از آن محاصره همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و امنیتی، ممانعت از رشد اقتصادی، تلاش برای

مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی حاکم در ایران در قالب نفوذ، جنگ رسانه‌ای و تقویت اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران (کشورهای متخاصم و رقیب و گروه‌های سیاسی مخالف نظام) و... در کنار ضعف بنیان‌های قدرت ملی و مشی سیاست‌گذاری‌های داخلی و بیرونی؛ در مجموع و به مرور، بقای ملی و ساختار نظام سیاسی حاکم در ایران را با چالش‌های جدی مواجهه ساخته است.

#### ۵-۲-۵. ضعف قدرت ملی نسبت به بازیگران سلطه‌گر و رقیب

در دنیای امروز مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با هم پیوند دارند و نمی‌توان آنها را از هم جدا کرد. کشوری قادر به ارتقای توان ملی، حفظ منافع ملی، بقا و یکپارچگی سرزمینی است که این پیوستاری‌ها را به درستی درک، و میان آنها رابطه منطقی برقرار کند. چنین برداشت می‌شود، ماهیت قدرت در جمهوری اسلامی، نه براساس منافع سرمایه‌داری و دفاع از تولید ثروت ملی و یا توسعه تجارت و فناوری؛ بلکه مبتنی بر اصول عقیدتی نشأت گرفته از انقلاب اسلامی است (Saree-ul-Qalam, 2011: 32-33). ازسویی، مفهوم قدرت در سیاست خارجی ایران و نگاه رهبران آن، بیشتر یک امر تصویری است تا آماری (Saree-ul-Qalam, 2011: 64). ایران از حیث توانمندی‌های طبیعی و انسانی در حوزه قدرت، می‌تواند به عنوان بزرگترین کشور منطقه غرب آسیا و جهان اسلام و حتی یکی از قدرت‌های تأثیرگذار جهانی مطرح باشد. با این حال، شواهد آماری و عددی (که مجال پرداختن به آن نیست)، گویای جایگاه نه چندان مناسب کشور در این حوزه در مقایسه با کشورهای منطقه و رقبا است. در مجموع، چالش‌های پرشمار درونی و بیرونی ناشی از ضعف نظام کشورداری، ایران کنونی را با چالش و تهدید در حوزه‌های مختلف قدرت سرزمینی، اقتصادی، سیاسی - حکومتی، فرهنگی - اجتماعی، فرامرزی، امنیتی، علم و فناوری و فضایی مواجه ساخته است.

## ۵-۲-۶. ضعف دانش و بینش کارگزاران حکومت از وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور و مسائل

## منطقه‌ای و جهانی

در جهان امروز، جغرافیای فکری مهم‌تر از جغرافیای سرزمینی است، و انزوای فکری بدتر از انزوای جغرافیایی است (Saree-ul-Qalam, 2020). افلاطون در اثر بزرگ خود «جمهور»، از زبان آموزگار خود سقراط بیان می‌دارد که هیچ‌گاه برای ناخدایی کشتی به یک کفش‌دوز و یا برای قضاوت به یک کشاورز و برای بازرگانی به یک نظامی مراجعه نمی‌شود (Rahimi, 2018: 62). از جمله نکات ضعف ساختارهای جمهوری اسلامی ایران در شناخت واقعیت‌های ملی و بیرونی (بین‌المللی)؛ تاثیرپذیری ساختارها از رویکردهای ادراکی سیاست‌گذاران می‌باشد. نگاهی گذرا به سیاست خارجی ج.ا. ایران در سال‌های اخیر نشان از آن دارد، سیاست خارجی کشور با چالش‌های سنگینی روبرو شده است. عدم شناخت یا شناخت ناقص و ناکافی کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، مناسبات و روابط ژئوپلیتیکی (روابط و مناسبات قدرت)، کشور را در یک مخمصه ژئوپلیتیکی گرفتار ساخته است (Ahmadi, 2022). این‌گونه به نظر می‌رسد، دیپلمات‌ها و سیاست‌مداران ما در کوران روابط بین‌الملل نیستند و شناخت دقیقی از سیستم و نظام فکری طرف مقابل ندارند. ازسویی، شناخت دیپلمات‌ها و سیاست‌مداران به دور از واقعیت‌های بیرون، به‌شدت تحت‌الشعاع ذهنیت‌های داخلی است (Saree-ul-Qalam, 2022). چنین رویکردی باعث می‌شود، واقعیت آنچنان که هست دیده نشود و قضاوت در مورد رویدادها، کنش‌ها، پیامدها و... با واقعیت هم‌خوانی نداشته باشد (Moshirzadeh, 2017: 25-32). بدیهی است، ارزیابی غلط از خود و دیگران (جغرافیا، منابع طبیعی، توان صنعتی، جمعیت، سرزمین، منش ملی، روحیه ملی، آمادگی نظامی، کیفیت حکومت و دیپلماسی و...) می‌تواند سیاست‌ها را در عمل با شکست جدی مواجه کند (Moshirzadeh, 2017: 18). از سویی، حوزه سیاست خارجی ایران چندان با دانش، بینش و نگرش جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک مانوس نبوده؛ به همین دلیل تصمیم‌گیران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بخشی از جامعه نخبگی، قادر نیستند، در شالوده‌گذاری و هدف‌گذاری بهینه سیاست خارجی کشور و اتخاذ رویه‌های مناسب دیپلماتیک مبتنی بر درک

درست از ظرفیت‌ها و محدودیت‌ها و دغدغه‌های ژئوپلیتیکی، به نحوی عمل کنند که در تامین اهداف و منافع ملی بحق کشور موفق باشند (Hafeznia, 2016). غیر از این، در جمهوری اسلامی، نخبگان فکری در رابطه با موقعیت برجسته نخبگان سیاسی از موقعیت حاشیه برخوردارند. به عنوان یک واقعیت تلخ، در نظام جمهوری اسلامی، توجه به دو اصل تعهد و تخصص در عرصه نخبگی، به ندرت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد (Sheikhzadeh, 2006: 111). از طرفی، نهادهای غیررسمی که اثرگذاری آنها در سیاست خارجی در موارد متعدد به شکل خودجوش یا هدایت شده است، باعث دخالت و تداخل در سیاست خارجی کشور است (Dehghani Firouzabadi, 2013: 248). در مجموع، تا زمانی که فرهنگ حاکم بر جامعه سیاسی، و نیز ناتوانی دستگاه حکومت و دولت، و همچنین فرهنگ سیاسی تابوئی، در ایران تعمیر، درمان و بهینه سازی نشود، انتظار تغییر اساسی در روند تاریخی مذکور بیهوده خواهد بود و ایرانیان همچنان محکوم به تداوم حیات آسیب‌پذیر خود در حاشیه سیستم ژئوپلیتیک جهانی، و نیز موقعیت فرودستی از لحاظ توسعه و پیشرفت نسبی در جهان خواهند بود (Hafeznia, 2021: 3).

### ۳-۵. ارزیابی متغیرها و مولفه‌ها از منظر یافته‌های میدانی

در این مرحله تأثیرگذاری هریک از متغیرها و شاخص‌های تحقیق، از نظر خبرگان مورد سنجش قرار گرفته است. برآیند دیدگاه‌های پاسخگویان به متغیرها و شاخص‌ها و در مجموع رتبه هر کدام از آنها بر اساس آزمون رتبه‌بندی فریدمن و T-test به شرح ذیل است:

#### ۳-۵-۱. ارزیابی متغیر ۱. تعارض اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب

متغیر نام برده با میانگین رتبه ۱۱/۷۱ دارای رتبه دوم اهمیت است. همچنین از میان ۳۱ شاخص مورد بررسی، شاخص اصطکاک و تعارض با نظام بین‌الملل، با میانگین نمره ۴/۲۸، در رتبه ۱ اهمیت قرار دارد. بررسی حاصل از یافته‌های پرسشنامه‌ای نشان می‌دهد، اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی در تضاد و اصطکاک با نظام منطقه‌ای و بین‌الملل در انزوای ژئوپلیتیکی کشور نقش زیربنایی داشته است.

جدول (۲): توزیع فراوانی تعارض اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب

| میانگین | فراوانی |    |       |      |           | شاخص (گویه‌ها)                                                                                                |
|---------|---------|----|-------|------|-----------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|         | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |                                                                                                               |
| ۴,۲۸    | ۱       | ۵  | ۶     | ۲۰   | ۳۵        | اصطکاک و تعارض با نظام بین‌الملل                                                                              |
| ۴,۰۳    | ۱       | ۶  | ۱۰    | ۲۳   | ۲۷        | اصطکاک ناشی از استراتژی صدور انقلاب در چالش با همسایگان و جهان اسلام                                          |
| ۳,۹۱    | ۲       | ۶  | ۱۲    | ۲۳   | ۲۴        | استراتژی اسرائیل‌ستیزی در سایه اجماع اسرائیل با آمریکا و کشورهای عرب                                          |
| ۳,۷۵    | ۳       | ۷  | ۱۴    | ۲۳   | ۲۰        | اصطکاک ناشی از استراتژی نفی سبیل (سلطه)، در چالش با غرب و آمریکا                                              |
| ۳,۷۲    | ۲       | ۱۱ | ۹     | ۲۷   | ۱۸        | اصطکاک ناشی از استراتژی حمایت از مستضعفین و مبارزه با مستکبرین در چالش با غرب و آمریکا، همسایگان و جهان اسلام |
| ۳,۵۲    | ۱       | ۱۲ | ۲۲    | ۱۵   | ۱۷        | استراتژی نه شرقی - نه غربی، و ایجاد فشار از سوی سازه غرب                                                      |

۵-۳-۲. ارزیابی متغیر ۲. سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

متغیر نام برده با میانگین رتبه ۱۰/۲۶ داری رتبه ۴ اهمیت است. همچنین از میان ۳۱ شاخص مورد بررسی، گویه «تعارض و تنش با قلمروی ژئوپلیتیک جهانی رقیب و معارض با آمریکا»، با میانگین نمره ۴/۰۱، در رتبه ۱۱ اهمیت قرار دارد. «سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قلمروهای ادعایی با ماهیت جغرافیایی» با کسب نمره ۳/۰۱ و قرارگیری در رتبه آخر اهمیت، را می‌توان حذف کرد. به تعبیری شاهدهی مبنی بر اثرگذاری این شاخص، بر انزوای ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران یافت نشد.

جدول (۳): توزیع فراوانی متغیر سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

| میانگین | فراوانی |    |       |      |           | شاخص (گویه‌ها)                                                                              |
|---------|---------|----|-------|------|-----------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
|         | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |                                                                                             |
| ۴,۰۱    | ۱       | ۳  | ۱۲    | ۲۷   | ۲۴        | تعارض و تنش با قلمروی ژئوپلیتیک جهانی رقیب و معارض با آمریکا                                |
| ۳,۹۱    | ۱       | ۳  | ۱۷    | ۲۶   | ۲۰        | غفلت ج.ا.ایران در قلمروی طبیعی حوزه تمدنی، با از دست رفتن فرصت‌ها و ایجاد تهدید از سوی رقبا |

|      |   |    |    |    |    |                                                                                      |
|------|---|----|----|----|----|--------------------------------------------------------------------------------------|
| ۳,۷۶ | ۲ | ۸  | ۱۶ | ۱۹ | ۲۲ | سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ج.ا.ایران در قلمروهای ادعایی با ماهیت ایدئولوژیک |
| ۳,۵۹ | ۱ | ۱۱ | ۱۸ | ۲۲ | ۱۵ | سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ج.ا.ایران در قلمروی طبیعی شیعی و حوزه خلیج فارس  |
| ۳,۱  | ۶ | ۱۲ | ۲۴ | ۱۷ | ۸  | سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای ج.ا.ایران در قلمروهای ادعایی با ماهیت جغرافیایی  |

۵-۳-۳. ارزیابی متغیر ۳. موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در سیستم ژئوپلیتیک جهانی در گرایش به

سازه و بلوک شرق

متغیر نام برده با میانگین رتبه ۵/۳۱ دارای رتبه ۶ اهمیت است (رتبه آخر). همچنین از میان ۳۱ شاخص مورد بررسی، گویه «همسویی‌های نظامی ج.ا.ایران با سازه شرق، با فشار از سوی سازه غرب»، با میانگین نمره ۳/۶۲، در رتبه ۲۵ اهمیت قرار دارد. بر اساس آراء پاسخگویان، سیاست شرق‌گرایی جمهوری اسلامی ایران برای غرب اهمیت چندانی ندارد؛ اما همان‌گونه که جامعه آماری تأیید می‌کند، همکاری‌های نظامی ایران با روسیه، می‌تواند یک نگرانی برای غرب باشد. جدول (۴): توزیع فراوانی متغیر موضع‌گیری ایران در سیستم ژئوپلیتیک جهانی در گرایش به بلوک شرق

| میانگین | فراوانی |    |       |      |           | شاخص (گویه‌ها)                                                  |
|---------|---------|----|-------|------|-----------|-----------------------------------------------------------------|
|         | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |                                                                 |
| ۳,۶۲    | ۱       | ۶  | ۲۲    | ۲۶   | ۱۲        | همسویی‌های نظامی ج.ا.ایران با سازه شرق، با فشار از سوی سازه غرب |
| ۳,۲۲    | ۵       | ۱۴ | ۱۹    | ۱۹   | ۱۰        | جغرافیای سیاسی حساس ایران در رقابت میان سازه شرق و غرب          |
| ۳,۱۶    | ۳       | ۱۹ | ۲۰    | ۱۴   | ۱۱        | جذابیت ژئواکونومیک ایران در رقابت میان سازه شرق و غرب           |

۵-۳-۴. ارزیابی متغیر ۴. ویژگی‌های امپریالیستی آمریکا در رد نقش و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران

متغیر نام برده با میانگین رتبه ۹/۵۳ دارای رتبه ۵ اهمیت است. اختلاف رتبه این متغیر با ۰/۳۱ نمره میانگین، با متغیر شماره ۴ بسیار جزئی است. همچنین از میان ۳۱ شاخص مورد بررسی، گویه «سیاست مهار و فشار از سوی آمریکا»، با میانگین نمره ۴/۰۷، در رتبه ۸ اهمیت قرار دارد.

جدول (۵): توزیع فراوانی متغیر ویژگی‌های امپریالیستی آمریکا در رد نقش و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران

| میانگین | فراوانی |    |       |      |           | شاخص (گویه‌ها)                                                                                      |
|---------|---------|----|-------|------|-----------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------|
|         | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |                                                                                                     |
| ۴,۰۷    | ۱       | ۴  | ۱۲    | ۲۶   | ۲۴        | سیاست مهار و فشار از سوی آمریکا                                                                     |
| ۴,۰۵    | ۱       | ۵  | ۷     | ۳۰   | ۲۴        | بی‌اعتبارسازی ایران از طریق ایجاد تصویر یک بازیگر مخل نظم و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی توسط آمریکا |
| ۳,۷۶    | ۲       | ۷  | ۱۱    | ۳۰   | ۱۶        | بی‌اعتبارسازی و ناکارآمد جلوه دادن نظام سیاسی ایران نزد افکار عمومی داخلی و بین‌المللی              |
| ۳,۶۵    | ۱       | ۱۲ | ۱۳    | ۲۵   | ۱۶        | تضعیف قدرت ملی، از طریق درگیرسازی در بحران‌های منطقه‌ای                                             |
| ۳,۶۵    | ۲       | ۸  | ۱۴    | ۳۱   | ۱۲        | جنگ ترکیبی فرسایشی متداوم به منظور میراثی و فروپاشی تدریجی نظام سیاسی ایران                         |

#### ۵-۳-۴. ارزیابی متغیر ۵. ضعف قدرت ملی نسبت به بازیگران سلطه‌گر و رقیب

متغیر نام برده با میانگین رتبه ۱۱/۱۴، با اندک اختلاف نمره با متغیر دوم (۰/۶۳)، حائز رتبه ۳ اهمیت شد. همچنین از میان ۳۱ شاخص مورد بررسی، شاخص «ضعف قدرت ملی ناشی حوزه سیاسی (کشورداری و حکومت‌داری)»، با میانگین نمره ۴/۱۶، در رتبه ۳ اهمیت قرار دارد. این گونه به نظر می‌رسد، از دیدگاه جامعه آماری، بین انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و کیفیت کشورداری و حکومت‌داری رابطه قوی و گونه‌ای از تناظر و تقارن وجود دارد. علاوه بر این، نمره بالای سایر شاخص‌ها، گویای اهمیت متغیر قدرت ملی از دیدگاه جامعه آماری است.

جدول (۶): توزیع فراوانی متغیر ضعف قدرت ملی نسبت به بازیگران سلطه‌گر و رقیب

| میانگین | فراوانی |    |       |      |           | شاخص (گویه‌ها)                                                                           |
|---------|---------|----|-------|------|-----------|------------------------------------------------------------------------------------------|
|         | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |                                                                                          |
| ۴,۱۶    | ۱       | ۳  | ۹     | ۲۵   | ۲۹        | ضعف قدرت ملی ناشی حوزه سیاسی (کشورداری و حکومت‌داری)                                     |
| ۴,۰۸    | ۱       | ۵  | ۱۱    | ۲۰   | ۳۰        | ضعف قدرت ملی ناشی از وزن پایین اقتصادی در مناسبات منطقه‌ای و جهانی                       |
| ۴,۰۷    | ۱       | ۳  | ۱۲    | ۲۵   | ۲۶        | ضعف قدرت ملی ناشی از انفعال و غفلت از ظرفیت‌های جغرافیایی-سیاسی                          |
| ۳,۸۵    | ۱       | ۶  | ۱۸    | ۱۹   | ۲۳        | ضعف قدرت ملی در حوزه‌های فرامرزی (عضویت در نهادها، کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی) |

|      |   |    |    |    |    |                                                           |
|------|---|----|----|----|----|-----------------------------------------------------------|
| ۳,۷۶ | ۲ | ۹  | ۱۲ | ۲۴ | ۲۰ | تمرکز بی‌اندازه بر بعد نظامی قدرت (به عنوان یک مزیت نسبی) |
| ۳,۷۱ | ۱ | ۹  | ۱۸ | ۲۲ | ۱۷ | ضعف قدرت ملی ناشی تهدیدهای وجودی پر شمار حوزه اجتماعی     |
| ۳,۴۹ | ۱ | ۱۰ | ۲۵ | ۱۷ | ۱۴ | ضعف قدرت ملی ناشی از انفعال قدرت علمی و فناوری            |

### ۵-۳-۵. ارزیابی متغیر ۶. ضعف دانش و بینش کارگزاران حکومت از وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی

#### کشور و مسائل منطقه‌ای و جهانی

متغیر نام برده با میانگین رتبه ۱۴/۰۴، و با اختلاف معنی داری نسبت به سایر متغیرها، حائز رتبه ۱ اهمیت شد. بر طبق جدول ذیل، اختلاف اندک میان حداکثر نمره ۴/۲۵ (رتبه ۲ اهمیت از میان ۳۱ شاخص) و حداقل نمره ۴ (رتبه ۱۳ اهمیت از میان ۳۱ شاخص)، گویایی اهمیت تمامی شاخص‌های این متغیر است. هر دو دسته از یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی گویای آن است، که کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، فهم و شناخت درستی از مسائل و مناسبات کشورها، روابط بین‌الملل، و مسائل ژئوپلیتیکی مناطق و کشورها ندارند. به تعبیری، جامعه آماری به درستی آگاه است که ضعف دانش و بینش کارگزاران حکومت از وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور، و همچنین و مسائل منطقه‌ای و جهانی، چگونه می‌تواند باعث زایل شدن منافع ملی، اتلاف استعدادها طبیعی و انسانی، بروز شکاف‌های ملی و اجتماعی، و در مجموع ایجاد بن بست یک کشور در همه زمینه‌ها باشد.

#### جدول (۷): توزیع فراوانی متغیر ضعف قدرت ملی نسبت به بازیگران سلطه‌گر و رقیب

| میانگین | فراوانی |    |       |      |           | شاخص (گویه‌ها)                                                                                     |
|---------|---------|----|-------|------|-----------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|
|         | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |                                                                                                    |
| ۴,۲۵    | ۱       | ۳  | ۷     | ۲۴   | ۳۳        | تحدید دایره شناخت و تصمیم‌گیری‌های کلان ملی براساس ادراک و ذهنیت فردی کارگزاران غیرمتخصص و کم‌آگاه |
| ۴,۰۹    | ۱       | ۴  | ۸     | ۲۹   | ۲۵        | تداوم پوپولیسم سیاسی و استمرار خطوط قرمز و تابوهای ژئوپلیتیکی پرهزینه                              |
| ۴,۰۹    | ۱       | ۴  | ۹     | ۲۷   | ۲۶        | تضعیف سازه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های کلان ملی به دلیل کنار گذاشتن بدنه نخبگی                     |
| ۴,۰۶    | ۱       | ۴  | ۷     | ۲۶   | ۲۸        | ناهماهنگی نهادی و ساختاری در امور سیاست خارجی                                                      |
| ۴       | ۱       | ۵  | ۱۱    | ۲۶   | ۲۴        | ضعف در نظام تصمیم‌گیری و رجوع به اندیشه جمعی                                                       |



## ۶. تجزیه و تحلیل نتایج

ژئوپلیتیک به این معناست که کجا می‌توانیم بیشترین منافع را داشته باشیم (Ramazani, 2001: 71). تصور خروج از انزوای ژئوپلیتیکی و بازگشت به مدار توسعه و عادی شدن تعاملات بیرونی، هنگامی میسر است، که هرگونه سیاست‌گذاری در هر دو حوزه داخلی و خارجی، متناسب با مقتضیات ژئوپلیتیکی و محیطی کشور ایران و منافع ملی ایرانیان باشد. نتایج حاصل از یافته‌های کیفی و میدانی نشان داده است، که در ادامه روند نظام‌های حاکم در ایران دست کم طی دو قرن گذشته، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز تا حدود زیادی از مسیر استانداردهای مقتضیات ژئوپلیتیکی و جغرافیایی ایران به هر دلیلی فاصله دارد. متغیر مورد بررسی در این مقاله، ذیل عوامل مؤثر بر انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی به اشکال تودرتو و هم‌پوشان، نیز مؤید این مسئله است. نکته مهم آن که، بر طبق بررسی‌های این مقاله، هرچند نمی‌توان، به طور کلی منکر نقش تاریخی موقعیت خاص جغرافیایی - سیاسی ایران شد، اما گرفتار آمدن در دام انزوای ژئوپلیتیکی کنونی، غالباً خودساخته، و بیش از آن‌که ناشی از اجبار محیط و موقعیت جغرافیایی - سیاسی خاص (در نظریه‌هایی چون تنهایی تاریخی و استراتژیک)، و همچنین نقش عوامل بیرونی باشد (سایر کشورها و قدرت‌ها)؛ در اصول اندیشه‌ای (اندیشه سیاسی حاکم) و اراده کارگزاران سیاسی و حکومتی نهفته است. بدیهی است، ادامه حیات سیاسی یک کشور در گروه به کارگیری، توانمند سازی، تبیین نیروهای مؤثر، ایجاد سازوکارها، ساختارها، کارکردها، و القای آرمان و اندیشه سیاسی واحد برای آحاد مردم (Hafeznia and Kavendi- Kateb, 2017: 59-60)، و در نظر گرفتن منافع ملی است. نخست آنکه میان اندیشه سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران با علت وجودی و بقای کشور ایران و منافع ملی، تناسب تاریخی و معنایی وجود ندارد. در درجه بعدی، با عبور از پیامدهای درونی این ناهم خوانی، از آنجایی که از حیث بیرونی اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب در تعارض و ستیز است، گونه‌ای از انزوای نظام سیاسی در سطوح منطقه‌ای و جهانی را باعث شده است.

جدول (۸): رتبه‌بندی متغیرهای عوامل موثر بر انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

| ردیف | متغیر                                                                                         | میانگین رتبه | درجه اهمیت |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|------------|
| t1   | تعارض اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب                              | ۱۱/۷۱        | ۲          |
| t2   | سیاست قلمروسازی ژئوپلیتیکی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران                                       | ۱۰/۲۶        | ۴          |
| t3   | موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در سیستم ژئوپلیتیک جهانی در گرایش به سازه و بلوک شرق            | ۵/۳۱         | ۶          |
| t4   | خوی امپریالیستی آمریکا در رد نقش و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران                                    | ۹/۵۳         | ۵          |
| t5   | ضعف قدرت ملی نسبت به بازیگران سلطه‌گر و رقیب                                                  | ۱۱/۱۴        | ۳          |
| t6   | ضعف دانش و بینش کارگزاران حکومت از وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور و مسائل منطقه‌ای و جهانی | ۱۴/۰۴        | ۱          |

بر طبق جدول (۸)، کسب بالاترین نمره (۱۴/۰۴) با اختلاف معنی‌دار با سایر متغیرها، برای متغیر «ضعف بینش و دانش کارگزاران حکومت از وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور و مسائل منطقه‌ای و جهانی» و پس از آن متغیر «تعارض اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی با منافع قدرت‌ها و کشورهای رقیب»، با نمره ۱۱/۷۱ مصداق این مدعا است. در حقیقت از آنجایی که ساختارها، سازه‌های برآمده و بنا شده از اندیشه کارگزارانند، در تبیین این مسئله می‌توان اذعان داشت، میان نظام اندیشه‌ای با سایر جنبه‌ها، رابطه مستحکم و معنی‌داری وجود دارد. بدیهی است ساختارهای توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، زائیده نظام اندیشه‌ای و نظام کارگزاری یک حکومت است. شواهد تاریخی و تجربی نشان از آن دارد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین دلیل انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، که در حکم متغیر مستقل، زیربنا و دلیلی برای سایر متغیرهای انزواساز بوده و هست؛ نقش عوامل کارگزاری (متغیر ۶) و نظام اندیشه‌ای برآمده از آن (متغیر ۱)، در کنش واگرا با محیط پیرامونی و بین‌المللی و حتی محیط ملی است. لذا در تدوین هرگونه الگو، راهبرد و طرح برنامه‌ای برای خروج از انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، نقش مکمل این دو، در حکم زیربنا برای سایر متغیرها است. بدیهی است، هرگونه تعادل میان قلمروهای چندگانه ژئوپلیتیکی (متغیر ۲)، بهبود روابط و تعامل با آمریکا (متغیر ۴)، تعامل میان سازه شرق و غرب و خروج از وضعیت جغرافیایی - سیاسی حائل (متغیر

۳)، بهبود قدرت ملی (متغیر ۵)، نیز معلول سامان‌دهی نظام کارگزاری و نظام اندیشه‌ای در چارچوب مقتضیات جغرافیایی - سیاسی و ژئوپلیتیکی کشور ایران است.

## ۷. نتیجه‌گیری

انزوای ژئوپلیتیکی حالتی است که در آن کشور هدف، تحت فشارهای محیط پیرامونی یا بین‌المللی به لحاظ برقراری مناسبات مستقیم با جهان خارج دچار چالش و مشکل می‌شود. از آنجایی که انزوای ژئوپلیتیکی به واسطه چالش‌های حاد بیرونی، باعث عدم تعادل و ناپایداری در یک نظام سیاسی می‌شود، تداوم چنین وضعیتی، با تضعیف بنیان‌های قدرت و امنیت ملی و سرزمینی، می‌تواند به مرور حتی زمینه فروپاشی کامل و نابودی یک سیستم سیاسی (کشور) را فراهم آورد. این مقاله با بررسی شش عامل یا متغیر اصلی در قالب ۳۱ مؤلفه، نشان داد، جمهوری اسلامی ایران در انزوای ژئوپلیتیکی قرار دارد. از میان متغیرهای اثرگذار در انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران، متغیر «ضعف دانش و بینش کارگزاران حکومت از وضعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور و مسائل منطقه‌ای و جهانی»، با کسب نمره ۱۴/۰۴، حائز بالاترین اهمیت؛ و متغیر «موضع‌گیری جمهوری اسلامی ایران در سیستم ژئوپلیتیک جهانی در گرایش به سازه و بلوک شرق» با کسب نمره ۵/۳۱، کمترین اهمیت را به خود اختصاص داده است. همچنین از میان ۳۱ شاخص مورد بررسی، با اندک اختلاف نمره (از ۴/۲۸ تا ۴/۰۵)، به ترتیب اهمیت؛ ۱۰ شاخص «اصطکاک و تعارض با نظام بین‌المللی؛ تحدید دایره شناخت و تصمیم‌گیری‌های کلان ملی براساس ادراک و ذهنیت فردی کارگزاران غیرمتخصص و کم‌آگاه؛ ضعف قدرت ملی در حوزه سیاسی (کشورداری)؛ تضعیف سازه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های کلان ملی به دلیل کنار گذاشتن بدنه نخبگی؛ تداوم پوپولیسم سیاسی و استمرار خطوط قرمز و تابوهای ژئوپلیتیکی پرهزینه؛ ضعف قدرت ملی ناشی از وزن پایین اقتصادی؛ ضعف قدرت ملی ناشی از انفعال و غفلت از ظرفیت‌های جغرافیایی - سیاسی؛ تداوم سیاست مهار و فشار از سوی آمریکا؛ ناهماهنگی نهادی و ساختاری در امور سیاست خارجی؛ و راهبرد بی‌اعتبارسازی از سوی آمریکا به عنوان یک بازیگر مخل منطقه‌ای و بین‌المللی» دارای بالاترین اثرگذاری در انزوای ژئوپلیتیکی جمهوری

اسلامی ایران‌اند. با عطف به بررسی‌های انجام گرفته، واضح است تداوم این وضعیت، به مفهوم تهدید امنیت و بقای ملی و سرزمینی است.

#### ۸. تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری جغرافیای سیاسی تحت عنوان «ارائه الگوی خروج از انزوای ژئوپلیتیکی کشورها (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)» در دانشگاه تربیت مدرس است. از معاونت پژوهشی و فناوری این دانشگاه، به سبب حمایت در انجام این رساله کمال قدردانی و تشکر داریم.



## References

1. Ahmadi, E (2022). An independent national policy, a solution for the Islamic Republic of Iran's withdrawal from isolation (a Reflection on Russia's behavior toward Iran). Iranian Geopolitical Society, July 16, 2022. Available at: <https://iag.ir/category/geopolitics-diplomacy>. **[In Persian]**
2. Ansari Fard, M; Haji-Yousefi, A.M (2023). Challenges of Iran Deterrence Strategy in the Middle East: From Alliance to Gray Zone Politics. *Geopolitics Quarterly*. 19 (69): 96-130. **[In Persian]**
3. Asgari, S (2021). Effective Political and Geopolitical Entropies in the Collapse the of States; Case Study: Soviet Union. *Geopolitics Quarterly*. 17 (61): 214-244. **[In Persian]**
4. Azghandi, A (2008). Foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Fifth edition, Tehran: Qoms Publishing. **[In Persian]**
5. Bernek, A (2015). The “Grand Chessboard” of the 21st Century Geopolitical Strategies of the Multi-Polar World. *National Security Review*. Special Issue/MMXV. 5-28.
6. Boute, A (2019). Economic Statecraft and Investment Arbitration. *University of Pennsylvania Journal of International Law*, 40(2). Available at: SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3378551>.
7. Cohen, S.B (1984). Geopolitics in the new world Era, chapter 2 from *Reordering the world*, edited by: George j. DemKo and William b. Wood. USA: Westview press.
8. Degaard, J.P; Richar, J; Horcade, B (1999). Iran in the 20th Century: A Study of the Political, Social, Economic and Cultural Situation of Iran in the Last 100 Years. Translated by Houshang Mahdavi, A.R. Tehran: Alborz Publishing Company. **[In Persian]**
9. Dehghani Firouzabadi, S.J (2013). Foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Samt Publications. **[In Persian]**
10. Dehghani Firouzabadi, S.J; Moradi, M (2015). The United States and Relations of the Islamic Republic of Iran-Russian Federation. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, No. 89. 66-91. **[In Persian]**
11. Ehteshami, A (1999). Transition from the crisis of succession. Tehran: Ghomes Publications. **[In Persian]**
12. Elahi, H (2017). Persian Gulf and its issues, 18th. Tehran: Ghoms Publications. **[In Persian]**
13. Fouazi, J (2004). America and Political Islam: Confrontation of Cultures or Conflicts of Interest. Translated by Sarwaryan, M.K. Tehran: Institute for Strategic Studies. **[In Persian]**
14. Geldenhuys, D (1986). the Diplomacy of Isolation: South African Foreign Policy Making. The South African Institute of International Affairs.

15. Geldenhuys, D (1991). The Politics of International Seclusion A Study of Self- Isolated States. The South African Institute of International Affairs Jan Smuts House.
16. Geldenhuys, D (1996). Isolated States: A Comparative Analysis. 2 Edition, Cambridge University Press.
17. Gerges, F (2013). America and Political Islam: Clash of Cultures Or Clash of Interests?. Translated by Sarwarian, M.K. Tehran: Strategic Studies Research Institute. **[In Persian]**
18. Hafeznia, M.R (2006; 2017). Principlres and concept of Geopolitics. Mashhad: Papoli Pablications. **[In Persian]**
19. Hafeznia, M.R. (2003). Political Geography of Iran. Tehran: Samt Publications. **[In Persian]**
20. Hafeznia, M.R (2016). The country's foreign policy is in the vortex of poverty of geopolitical insight and knowledge. Official website of Hafeznia,MR. 29 Apr. Available at: <https://hafeznia.ir/2016/04>. **[In Persian]**
21. Hafeznia, M.R (2021). National Strategy of Space Political Management: for optimal administration and exit of Iran from the orbit of underdevelopment. The official website of Hafeznia, M. Official. November 5. Available at: <https://hafeznia.ir/2021/10> . **[In Persian]**
22. Hafeznia, M.R; Boyeh, C (2015). The theory of revolution and geopolitics, explanation of Iran's geopolitics. In research-based scientific theories in political geography. Collect by Ahmadi, S & Ghorbani Nejad, R. Mashhad: Papley Publications. **[In Persian]**
23. Hafeznia, M.R; Romina, E; Ghaderi Hajat, M (2016). Pattern of Human Structures Relationships Cultural Territories in West Asia; Emphasis on Iran's Cultural Territory. Political geography research Quarterly. 1(2). 1-29. **[In Persian]**
24. Hafeznia, M.R; Ahmadipour, Z; Boyeh, C (2012(a)). Explanation of Factors Affecting the Formation of Geopolitical Territories of Islamic Republic of Iran. Iranian Journal of International Politics Quarterly. 1(1). 49-26. **[In Persian]**
25. Hafeznia, M.R; Ahmadipour, Z; Boyeh, C (2012(b)). The Islamic Revolution and the Emergence of New Geopolitics in Iran. Islamic Revolution Quarterly. 23(1). 1-23. **[In Persian]**
26. Hafeznia, M.R; Kavandi Kateb, A (2017). The Raison d'etre of Iran. Tehran: Samt Publications. **[In Persian]**
27. Hajilo, M.H (2017). The fragility of cooperation in hegemonic atmosphere and looking east in the foreign policy of Islamic Republic of Iran. Islamic Revolution Approaches Quarterly. 11(38). 88-69. **[In Persian]**

28. Halsey, K (1997) Principles of International Policy Analysis. Translated by Mostaghimi, B & Tarom Sari, M. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
29. Hitchens, D.K (1997). Application of systemic thought. Translated by Aslani, R. Tehran: Institute of Public Administration. **[In Persian]**
30. Holliday, S.J (2016). Defining Iran: politics of resistance, University of Plymouth, UK.
31. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/isolation>
32. <https://www.merriam-webster.com/dictionary/isolation>
33. Karimipour, Y. (2000). Introduction to Iran and Neighbors (sources of tension and threats). Tehran: Jahad Daneshgahi Publication. **[In Persian]**
34. Katzman, K (2005). the Iran Sanctions Act. (ISA) CRS Report for Congress, 27. Available at: <http://italy.usembassy>. <https://fas.org/sgp/crs/row/RS20871.pdf>.
35. Keohane, R (1984). After hegemony: Cooperation and discord in the World political economy Princeton. Princeton University Press. N.J.
36. Keohane, R; Nye, J.S (1977; 1987; 2001). Power & Interdependence. (1-4th Edition). Longman Classics in Political Science (1977). international Organisation (1987) & Pearson (2001).
37. Khalili, M (2018 b). Neighboring Iran and a multi-neighbor foreign policy. Political Geography Research Quarterly. 3(1): 123-146. **[In Persian]** [
38. Khalili, M (2018(A)). An Institutional Look at Iran's Foreign Policy. Tehran: The Legal Foundation of Mizan. **[In Persian]**
39. Levey, Z (2008). Israel's Exit from Africa, 1973: The Road to Diplomatic Isolation. British Journal of Middle Eastern Studies. 35(2). 205-226.
40. Maleki, A (2004). The Islamic Revolution of Iran and the International System: Scrutiny in the Spectrum of Alignment to Confrontation. Islamic Revolution Studies Quarterly . No. 1: 91-128. **[In Persian]**
41. Maleki, A (2010). Iran's nuclear File: recommendations for the future. Journal of Daedalus, 139 (1). 105-116.
42. Mearsheimer, J.J (2011). Imperial by Design. The National Interest. No. 111. Center the National Interest Published.
43. Mearsheimer, J; Walt, S.M (2016). The Case for Offshore Balancing. Foreign Affairs. 95(4).
44. Mokhtari Hashi, H (2015). The Impact of Sanctions on the Elements of National Power, with emphasis on the United Nations Security Council Sanctions against the Islamic Republic of Iran. Geopolitics Quarterly. 11 (38): 134-173. **[In Persian]**
45. Moshirzadeh, H (2017). Pathology of foreign policy: theoretical foundations. Public Policy Quarterly . 3(1).9-27. **[In Persian]**

46. Moshirzadeh, H; Jafari, H (2012). Hegemonic Power and the Revolutionary State: A Case Study of America and the Islamic Republic of Iran. *Foreign Relations Quarterly*. 4(1). 47-78. **[In Persian]**
47. Mossalanejad. A (2024). Challenges of Security Policy in the Era of Geopolitical Crises. *Geopolitics Quarterly*. 20 (73): 1-25. **[In Persian]**
48. Panagiotou, R (2011). Albania and the EU: from isolation to integration. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*. 13(3). 357- 375.
49. Porahmadi, H; Bazobandi , A (2018). Iran's Nuclear Deal Analysis in The Framework of Putnam's Two Level Game Theory. *World Politics Quarterly*. 17(3). 79-120. **[In Persian]**
50. Rahimi, A (2018). Unfamiliarity of state actors and national security challenges: the roots and remedies. *National Security Watch Mahnegar*, No. 80.59-64. **[In Persian]**
51. Ramezani, R (2001). *An Analytical Framework for Examining the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Ney Publishing. **[In Persian]**
52. Rezaei, D; Hafeznia, M.R; Afshardi, M.H; Ahmadi Nohdani, S (2023). Explaining the Action Pattern of Geopolitical Territorialization of Countries. *Geopolitics Quarterly*. 19 (71):1-33. **[In Persian]**
53. Saree-ul-Qalam, M (2002). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Theoretical Criticism and Coalition Proposal. *Parliament and Strategy Quarterly*. 9(65). 65-82. **[In Persian]**
54. Saree-ul-Qalam, M (2005). Globalization of national sovereignty and Islamic Republic of Iran. *Strategy Quarterly*. No. 36. 246-231. **[In Persian]**
55. Saree-ul-Qalam, M (2009). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: The Potential and Possibility of Change. *Foreign Relations Quarterly*. 1 (1). 21-40. **[In Persian]**
56. Saree-ul-Qalam, M (2011). The Concept of Power and Foreign Policy Performance: Comparison of China and Iran. *Foreign Relations Quarterly*. 3(1).49-74. **[In Persian]**
57. Saree-ul-Qalam, M (2020). Are we isolated?. The official website of Saree-ul-Qalam, M. June 6. Available at: <https://sariolghalam.com/2020/05/26/> . **[In Persian]**
58. Saree-ul-Qalam, M (2022a). Western strategy towards Iran. The website of Sareli-ul-Qalam, M. Available at: <https://sariolghalam.com/2023/02/17/%d8%a7%d8>. **[In Persian]**
59. Saree-ul-Qalam, M (2022b). Iran and the new geopolitics of the world. *Andisheh Poya monthly magazine in online news*. In: <https://www.khabaronline.ir/news/1614005>. **[In Persian]**



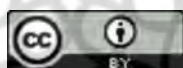
60. Sheikhzadeh, H. (2006). Elite and Development of Iran. Tehran: Center for the Recognition of Islam and Iran. **[In Persian]**
61. Sifzadeh, S.H (2006). Principles of International Relations. Tehran: Samt Publication. **[In Persian]**
62. Sneberg, C (2015). The purpose of American strategic Culture. Oslo: University of Oslo Press.
63. Turku, H (2009). Isolationist States in an Interdependent World. Publisher: Rutledge.
64. Urbatsch, R (2010). Isolationism and Domestic Politics. Journal of Conflict Resolution. 54(3). 471 –492.
65. Zarei , B; Piltan, F (2018). The Role of Geopolitical Factors in the Emergence of Iranian Realism. Human Geography Research Quarterly. 50(2).491-508. **[In Persian]**

---

#### COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

---



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی